

**یادداشت**

**چرا دادستان آمریکا مجبور به استعفا شد؟**  
**سشنز، قربانی خطر ناگ**



فردینو سیف‌نیا: «آقای رئیس‌جمهور! به درخواست شما استعفاي خود را اعلام می‌کنم!» این عبارت بخشی از نامه «جف سشنز» دادستان کل ایالات‌متحده خطاب به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا است که بخوبی نشان می‌دهد استعفاي وی و جدا شدن از کابینه دولت فعلی آمریکا، به اجبار و دیکته شده انجام شده است. اینکه چرا دادستان کل هم‌زمان با اعلام نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای برکنار می‌شود، سوالی است که عده‌ای تصور می‌کنند این پرونده ربطی به شکست جمهوریخواهان در مجلس نمایندگان دارد. البته این تحلیل تا حدودی درست است، چرا که در نشست خبری اخیر ترامپ که پس از نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای برگزار شد، شاهد برخورد تند رئیس‌جمهوری آمریکا با «جیم آکوستا» خبرنگار سی‌ان‌ان بودیم که دقیقاً نشان می‌دهد ترامپ تا چه حد از تحولات سیاسی کشورش بویژه پیروزی دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان عصبانی است. برای درک اینکه چرا به یک‌باره شاهد کنتر گذاشته شدن دادستان کل هستیم باید ۲ نکته مهم را مد نظر قرار دهیم.

**۱- پرونده دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶:** زمانی که بحث پرونده دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ توسط دموکرات‌ها مطرح شد تا به این روز فراز و فرودهای زیادی رخ داد. به عنوان مثال «مایکل فلین» مشاور اسبق امنیت ملی آمریکا پس از آنکه از تباطش با روسیه افشا شد طی یک فرآیند سیاسی- حقوقی مجبور شد درباره این پرونده شهادت بدهد اما صلح سوم این فرآیند (صلح امنیتی) را باید اهرم اعمال فشار بر وی برای ادای شهادت دانست، چرا که شروع کننده این پرونده دموکرات‌ها بودند و باید این موضوع را دانست که بدنه اجرایی سازمان سیا اکثراً از همین جناح هستند و این بدان معناست که نفوذ جمهوریخواهان در سیانست به رقیبشان کمتر است، ولو اینکه رئیس آن را ترامپ انتخاب کند تا به اینجای کار سشنز در حال رصد امور است اما پشت پرده‌ای در این میان وجود دارد؛ این پشت پرده دعوی ترامپ با وی است. ساکن کاخ سفید به دنبال آن است که بیشتر فشار را بر دادستان کل آمریکا وارد کند تا پرونده دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ را به حاشیه ببرد یا اگر قادر به این کار نیست داده‌های قضایی مؤثر را که منجر به محاصره حقوقی و سیاسی او می‌شود، از پرونده خارج کند. بدون تردید در این بین «اُبرت مولر» که به عنوان مسئول رسیدگی به پرونده است هم تحت فشار قرار می‌گیرد اما ترامپ به هیچ‌وجه نمی‌تواند او را عزل کند، چرا که اگر چنین اتفاقی بیفتد بدون تردید ترامپ بر خطا و ارتباط خود با مستکو مهر تایید زده است. از این منظر حذف سشنز باعث می‌شود نفر دلخواه ترامپ به عنوان دادستان آمریکا انتخاب شود.

**۲- پیروزی دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان و ترس از استیضاح:** بدون شک پیروزی دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان نه‌تنها ترامپ را ناراحت کرده، بلکه دلیل این عصبانیت بسیار مهم است. عمده دلیل عکس‌العمل ترامپ تنها به دلیل پیروزی لیبرال‌ها نیست، بلکه رئیس‌جمهوری آمریکا بخوبی می‌داند مجلس نمایندگان تنها بر محورهای داخلی آمریکا می‌تواند اعمال نفوذ کند و درباره سیاست خارجی نمی‌تواند اعمال نظر کنند. بر این اساس ترامپ دقیقاً می‌داند دموکرات‌ها با راهپای به مجلس نمایندگان او را درباره پرونده دخالت روسیه در انتخابات به چالش خواهند کشید، لذا این روند و راهپای جناح رقیب به مجلس نمایندگان بزودی او را به چالش خواهد کشید. در این میان عده‌ای معتقدند باید منتظر استیضاح ترامپ توسط دموکرات‌ها باشیم اما به هیچ‌وجه چنین اتفاقی نخواهد افتاد. واقعیت این است که استیضاح ترامپ همانند پرونده ترور «جان اف. کندی» می‌تواند یک زلزله سیاسی درون آمریکا به وجود آورد. در آن زمان سازمان سیا و ساختار سیاسی ایالات‌متحده بخوبی می‌دانستند اگر بخواهند این پرونده را بیش از حد کالبدشکافی کنند، گسل‌های سیاسی- امنیتی مهمی به وجود می‌آید که تبعات آن به نفع منافع ملی ایالات‌متحده و هر دو جناح نخواهد بود. بنابراین استیضاح ترامپ را باید منفی دانست بدون تردید این موضوع آرام آرام به حاشیه خواهد رفت. باید توجه داشت ترامپ با کنتر گذاشتن سشنز و کنتر گذاشتن احتمالی جیمز متیس (وزیر دفاع آمریکا) در هفته‌های آتی به دنبال آن است تا او را مخالفان خود در داخل کابینه را حذف کند و دوم اینکه بتواند پرونده دخالت روسیه در انتخابات را منسوخ مرور زمان سیاسی کند و از حافظه‌ها به بایگای انتقال دهد، چرا که ممکن است جف سشنز همانند مایکل فلین برای ادای شهادت علیه ترامپ مجبور به همکاری با قوه مقننه و قضائیه آمریکا شود.

**بویان شریعت:** پیش از آنکه در ۱۸ اردیبهشت دونالد ترامپ اعلام کند از توافق هسته‌ای با ایران خارج شده است، گروه‌های و شخصیت‌های سیاسی متعددی در آمریکا درباره عواقب این اقدام به دونالد ترامپ هشدار دادند. شخصیت‌های زیادی همه تلاش خود را کردند تا آمریکا و ترامپ از این تصمیم صرف‌نظر کرده و خواسته‌های خود در قبال ایران را در چارچوب همین توافق پیگیری کنند. به عنوان مثال واشنگتن پست در مقاله‌ای به تاریخ ۲۷ ژوئیه به قلم مکس بووت، ترامپ را در تقابل با جمهوری اسلامی ایران توصیف کرد و نتیجه گرفت ایران باهوش‌تر از ترامپ است. در این مقاله درباره اقدامات ایران برای اینکه بهانه‌ای در قبال خروج ترامپ از برجام ندهد، نوشت: «برای احیای مجدد اقتصاد خود نیز موافقت کرد بخش اعظم برنامه هسته‌ای خود را در ازای لغو تحریم‌های بین‌المللی، متوقف کند. همچنین پس از روی کار آمدن ترامپ عصبی و متخاصم، سران ایران به اندازه‌ای تیزهوش بودند تا آزار و اذیت ناوهای آمریکایی در خلیج فارس را به حالت تعلیق درآورند تا بهانه‌ای در اختیار ترامپ برای حمله به مزاحمان دریایی و پاره کردن توافق هسته‌ای قرار ندهند». شخصیت‌های سیاسی سعی داشتند به دولت آمریکا بفهمانند ایران با رفتارهای خود سعی دارد همه مسؤولیت خروج از برجام را بر گردن آمریکا بیندازد و در نهایت از تهدید پیش رویش به عنوان یک فرصت استفاده کند. در همین رابطه ۱۲ سناتور ارشد آمریکایی نیز در نامه‌ای سرگشاده به دونالد ترامپ ضمن تأکید بر لزوم حفظ توافق هسته‌ای با ایران هشدار دادند پیامدهای این اقدام، انزوی آمریکا یا از سرگیری برنامه هسته‌ای ایران خواهد بود. این در حالی است که همه اقدامات واشنگتن در خروج از برجام خلاصه نمود. کاخ سفید در ادامه اقدامات غیرقانونی و غیرانسانی خود درست در روزهای منتهی به یوم‌الله ۱۳ آبان با یک پروپاگانداي مهندسی شده به دنبال جلب نظر متحدان اروپایی و هدایت افکار عمومی در سایر کشورها برای همراهی با سیاستمداران واشنگتن در جهت اجرای همه تحریم‌ها و از سر گیری تحریم‌های لغو شده برآمد و در نهایت مقارن با روزهای شکست هیمنه ایالات متحده توسط دانشجویان پیرو خط امام، آمریکا را در دستور کار قرار داد. اما واقعیت ماجرا این است که اساساً آمریکایی‌ها دریافته‌اند که استفاده از زبان تهدید و زور و فشار علیه ایران نه‌تنها هیچ‌گاه موجب عقب‌نشینی نمی‌شود، بلکه حتی انسجام و اتحاد ملی در ایران را نیز افزایش می‌دهد و این اتحاد نیز در جهت مقاومت در برابر دشمن صرف می‌شود. به عنوان نمونه هافینگتون پست در مقاله‌ای در ۲۵ ژوئیه به قلم مونی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران نوشت: «در واقع تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از توافقنامه هسته‌ای ایران که احتمالاً از سرگیری تحریم‌ها را به دنبال خواهد داشت، تغییرات سیاسی

کار قرار داد، اما واقعیت ماجرا این است که اساساً آمریکایی‌ها دریافته‌اند که استفاده از زبان تهدید و زور و فشار علیه ایران نه‌تنها هیچ‌گاه موجب عقب‌نشینی نمی‌شود، بلکه حتی انسجام و اتحاد ملی در ایران را نیز افزایش می‌دهد و این اتحاد نیز در جهت مقاومت در برابر دشمن صرف می‌شود. به عنوان نمونه هافینگتون پست در مقاله‌ای در ۲۵ ژوئیه به قلم مونی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران نوشت: «در واقع تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از توافقنامه هسته‌ای ایران که احتمالاً از سرگیری تحریم‌ها را به دنبال خواهد داشت، تغییرات سیاسی

مختلف در امور منطقه خاورمیانه دخالت کرده‌اند. منطقه خاورمیانه یکی از بحرانی‌ترین مناطق دنیا محسوب می‌شود. نظامی گری و خرید تسلیحات بویژه از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس یکی از اولویت‌های برجسته این منطقه است، بنابراین منطقه مذکور در دهه‌های اخیر همواره در گیر در معمای امنیت بوده است. علاوه بر این، حضور دولت‌های خارجی بویژه آمریکا به عنوان قدرت مسلط در نظام بین‌الملل از دیگر مسائلی است که این منطقه با آن روبرو است، بنابراین خاورمیانه یکی از بی‌ثبات‌ترین دوره‌های خود را تجربه می‌کند، بی‌ثباتی‌ای که بخش اعظم آن محصول فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه است. در این میان، جنگ‌های داخلی و خلأ قدرت در منطقه، سیاست‌های قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپایی و همچنین رقابت قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و عربستان فضا را برای فعالیت گروه‌های تروریستی مهیاتر از قبل کرده است. آمریکا استراتژی جنگ نیابتی علیه تشیع و گفتمان انقلاب اسلامی را از طریق بازیگر همسوی خود و محور سازش با غرب در منطقه یعنی عربستان سعودی هدایت می‌کند. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری جنگ‌های نیابتی، بازتولید مولفه‌های آیینی و ایدئولوژیک وهابیت از واقعیت‌های تعارض منطقه‌ای محسوب می‌شود. بهره‌گیری از مفاهیم ایدئولوژیک، زمینه لازم برای شکل‌گیری منازعات هویتی را به وجود آورده است. هر منازعه هویتی نیازمند نقش‌های بازیگران خویشاوند خواهد بود. در فرآیند منازعات هویتی، عربستان تلاش دارد موقعیت خود را از طریق مولفه‌های هویتی و بسج گروه‌های اجتماعی اعاده کند. به همین دلیل است که در دوران‌های مختلف تاریخی، از مفاهیم وهابی، مبتنی بر اندیشه‌های سلفی و تکفیری بهره گرفته شده است. چنین رویکردی نشان می‌دهد وهابیت بخشی از واقعیت مربوط به هویت و رقابت ایدئولوژیک عربستان با جهان اسلام محسوب می‌شود. وهابیت تمام این



**بررسی سناریوی خروج واشنگتن از برجام تا اعمال دوباره تحریم‌ها**  
**هدف: ضربه به پیوند حاکمیت و ملت**

در ایران را تشدید کرده و این قبیل اقدامات هر گونه تلاش برای دستیابی به یک توافق آتی را پیچیده‌تر می‌کند، بویژه اینکه ترامپ می‌تواند خواستار امتیازات بیشتری باشد. حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، از اعتبار سیاسی داخلی خود که به واسطه فشار است ۲۰۱۵ کسب کرده است، برای اعمال فشار استفاده کرد و از زمان خروج ایالات متحده آمریکا از این توافق، وی مجبور شده است منتقدان و جریان مقابل خود را که با این توافق مخالف بودند، آرام کند... سیاست دولت ترامپ در حال حاضر همبستگی داخلی رژیم ایران را تقویت کرده است اما لزوماً در جهت اهداف ایالات متحده آمریکا نیست». واعظ در همین مقاله حتی به اتحاد گروه‌های سیاسی و جریانات قدرت در ایران نیز اشاره می‌کند که در برابر تصمیم دونالد ترامپ مواضع نزدیک به هم اتخاذ کرده و از یکدیگر حمایت می‌کنند: «روحانی مصمم‌تر شده است، او در مسیر درستی حرکت کرده و محافظه‌کاران و تندروها از وی استقبال کرده‌اند». پیش از این نیز تحلیل‌ها در مجامع غربی درباره ایران نشان می‌داد اساساً سیاست جمهوری اسلامی ایران و رابطه مردم و حکومت به گونه‌ای است که اگر پای منافع ملی یا مقدسات و مسائل اعتقادی مردم در میان باشد، اتحاد نخستین گزینه ایرانی‌ها در برابر دشمن است. به عنوان نمونه روزنامه الحیات در ۲۴ ژوئیه در گزارشی نوشت: «اما تجربه‌ها نشان داد ایران می‌تواند طرح‌های

توسعه‌طلبانه خود را بر اساس ظلم و ستم روا داشته شده علیه شیعه و در حاشیه قرار گرفتن آنان پی‌ریزی کند...». وندی شرمن، معاون وزیر خارجه سابق آمریکا و عضو کلیدی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا در مذاکرات ژنو نیز در مصاحبه با یاهو نیوز گفت: «ایرانیان ملتی هستند که در برابر تهدیدات سر تسلیم فرود آورند». شرمن اضافه کرد: «ترامپ فرهنگ مقاومت ملت ایران را درک نمی‌کند و همین مساله می‌تواند زمینه مقاومت حتی علیه شدیدترین تحریم‌ها را فراهم آورد». به عبارت دیگر آمریکایی‌ها بخوبی می‌دانند در برابر ایران استفاده از روش فشار و زور نتیجه‌ای عکس در پی خواهد داشت. با این حال دولت ترامپ خروج از توافق هسته‌ای و بازگشت تحریم‌ها علیه ملت ایران را به عنوان راهبرد سیاست خارجه خود در قبال تهران برگزیده است. در همین رابطه نیشنال اینترست در مقاله‌ای با عنوان «چرا سیاست ترامپ در قبال ایران محکوم به شکست است» نوشت: «اگر ترامپ گمان می‌کند سیاست وی (در قبال ایران)، از خروج از برجام تا اعمال هرگونه تحریم منجر به سازش رهبران تهران شده یا ایران را مجبور به تغییر رفتارش می‌کند، سخت در اشتباه است».

● ● ●

**ایران و چشم‌اندازهای نظم امنیتی مطلوب آمریکا در غرب آسیا**

**چالش‌های انقلاب اسلامی در بی‌ثبات‌ترین دوران خاورمیانه**



امعال گروهی راه منزله بدعت محکوم می‌کند و تفسیر تحت‌اللفظی متون مقدس و قرآن و سنت را ارج می‌نهد. در گفتمان آنها، امت از گناهکاری تشکیل شده که باید مواخذه شوند و با شمشر به راه درست بازگردانده شوند. تصویر اهریمنی از جامعه عرب گذشته و حال در نگاه وهابیان، در میل این جنبش به کنترل و تحصیل مشروعیت ریشه دارد. سازماندهی گروه‌های تکفیری توسط عربستان، زمینه‌های لازم را برای افراطی شدن سیاست، هویت و امنیت در منطقه به وجود آورده است. نیروهای تکفیری که توسط عربستان سازماندهی شده‌اند، نقش محوری خود را در مقابله با اهداف هویتی و ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی ایران قرار داده‌اند. به طور کلی، نیروهای هویتی از قابلیت لازم برای تأثیرگذاری بر فرآیندهای رقابت منطقه‌ای و شکل دادن به فضای ژئوپلیتیکی جدید برخوردارند. به هر میزان نیروهای تکفیری از نقش دولت‌ها به دلیل وجود رقابت‌ها میان خود و محور مقاومت نظریسم است؛ بدون اینکه اشکال جنگ و مداخله نظامی این دولت مشهود باشد، بنابراین آمریکا با هدف مقابله با گفتمان مقاومت، از جنگ‌های نیابتی با اهدافی مانند فرسایش توان نظامی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک ایران و محور مقاومت استفاده می‌کند. در این مسیر آمریکا از عربستان سعودی به عنوان متحد با قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. برای فرسایش محور مقاومت سازماندهی و مدیریت می‌کند. به همین دلیل است که جبهه تحت رهبری عربستان در منطقه اعتقاد دارند ایران، عراق، لبنان و سوریه یک هلال شیعی را تشکیل داده‌اند و در

تعریف شده از سوی ترامپ ضروری است. ایرانی‌ها در وضعیت فعلی باید صرف‌نظر از اختلافات و حتی نارضایتی‌ها، همگی به شکلی هماهنگ از یک صدا برخوردار باشند و حتی اختلافات سیاسی در قبال سناریوهای احتمالی واشنگتن را در فضایی آرام و بدون تنش بررسی کرده و سریع‌تر با موضعی واحد در حوزه سیاست خارجی وارد شوند. در آخر باید یادآور شویم به اعتقاد برخی ناظران مسائل بین‌الملل بررسی رفتار سیاستمداران واشنگتن در طول ۸ ماهه گذشته بویژه از زمان خروج از برجام تا آخرین اقدام در چند روز قبل که منجر به بازگشت دوباره تحریم‌ها علیه ملت ایران شد رمز عملیاتی را افشا می‌کند که هدف از انجام آن ایجاد شکاف در میان مردم و ضربه به مقاومت ملت ایران در سایه رهبری پسر و مراد خود است. مسؤولان ارشد آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا پس از ۴۰ سال دشمنی و انجام انواع جنایات علیه ملت ایران تنها به یک راهبرد رسیده‌اند و آن ضربه به مقاومت سراسری ایران و قطع زنجیره اتحاد از راس حاکمیت تا کوچک‌ترین عنصر اجتماعی در جامعه ایران است؛ موضعی که هویشاری بیش از پیش مردم مقاوم ایران را می‌طلبد و خود بیانگر واقعیتی انکارناپذیر درباره آمریکاست؛ واقعیتی که حکایت از آخرین تلاش‌های آمریکا برای ضربه به انقلاب اسلامی دارد و به گفته مقام معظم رهبری افول آمریکا را نوید می‌دهد.

حال تصمیم برای خروج از برجام بود، مشاورانش در کاخ سفید بخوبی می‌دانستند برای استفاده از چنین راهبردی نیاز به روش‌های مؤثر و متناسب با فضای جامعه ایران وجود دارد که به انسجام ایرانیان ضربه وارد کند، از این رو همواره مشاهده می‌کنیم در سیاست خارجی آمریکا یک دوراهی در مسیر ایران گذاشته می‌شود تا از اختلاف‌نظرها در ایران برای انتخاب مسیر استفاده شود و مانع انسجام مسؤولان، جریانات قدرت و مردم در ایران شوند. حتی اظهارنظرهای مقامات واشنگتن مبنی بر مذاکره با ایران بدون هیچ پیش شرط، موجب بروز و ظهور ۲ نوع نظر در قبال آمریکا شد که یک گروه خواهان بررسی شرایط مذاکره و گروه دیگر نیز بشدت مخالف آن هستند. در چنین شرایطی آمریکایی‌ها با جریانات قدرت و مردم در ایران شونده. حتی اظهارنظرهای مقامات واشنگتن مبنی بر مذاکره با ایران بدون هیچ پیش شرط، موجب بروز و ظهور ۲ نوع نظر در قبال آمریکا شد که یک گروه خواهان بررسی شرایط مذاکره و گروه دیگر نیز بشدت مخالف آن هستند. در چنین شرایطی آمریکایی‌ها با

**مسؤولان ارشد آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا پس از ۴۰ سال دشمنی و انجام انواع جنایات علیه ملت ایران تنها به یک راهبرد رسیده‌اند و آن ضربه به مقاومت سراسری ایران و قطع زنجیره اتحاد از راس حاکمیت تا کوچک‌ترین عنصر اجتماعی در جامعه ایران است**

مرتب با آن سعی می‌کنند بر اختلاف نظر پیش آمده بیفزایند و در نهایت انسجام پیش روی ایران در قبال اقدام آمریکا در خروج از برجام را مانع شوند. به زبان ساده‌تر حتی اظهارات پمپئو و ترامپ برای مذاکره یک هدف عمده را دنبال می‌کرد که در واقع ایجاد شکاف و ضربه به اتحاد و انسجام ملی بود. در روزهایی که آمریکایی‌ها از خروج از برجام تا پیش‌نهاد مضحک مذاکره و اعمال دوباره تحریم‌ها را در دستور کار قرار دادند، درک موقعیت و اهداف سیاست خارجی آمریکا اهمیت بالایی داشته و لزوم بروز رفتارهای مناسب برای پیشگیری از بازی در زمین

و هم گفتمان‌های رقیب در عرصه‌های مختلف همه‌جمله‌ای هم‌جانبه خود را علیه آن آغاز خواهند کرد. بر این اساس، جنگ فرقه‌ای که مینا و اساس نباد گفتمان مقاومت» به شمار می‌آید، با حمایت نیروهای سیاسی، کشورهای منطقه و کشورهای غربی و از طریق گروه‌های تکفیری، در تقابل با آنچه «هلال شیعی» نامیده می‌شود در گرفته است. یکی از حوزه‌های اصلی ستیزه‌های هویتی، قومی و مذهبی را می‌توان در سوریه مشاهده کرد و سوریه را هم باید کانون رویارویی گفتمان و پاد گفتمان مقاومت در اساس رهیافت‌های مختل ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری دانست.

حفظ نفوذ ایران و افزایش قدرت منطقه‌ای آن از عوامل مهم خرید تسلیحات و حساسیت دولت‌های منطقه‌ای خاورمیانه است. در این میان عربستان سعودی تلاش‌های زیادی را برای تشکیل یک بلوک قدرت خواه در قالب سیاسی و خواه در قالب یک اتحاد نظامی علیه ایران انجام داده است. تلاش‌هایی که تاکنون با توجه به منافع متکثر و گاه متعارض بازیگران منطقه عقیم مانده است. می‌توان چنین استنباط کرد که بنا به ۲ دلیل اسکان رویارویی نظامی مستقیم میان کشورهای منطقه و ایران بسیار پایین است؛ دلیل اول متاثر از موازنه قدرتی است که در میان قدرت‌های رقیب وجود دارد و دلیل دوم فقدان آمادگی لازم بازیگران منطقه‌ای برای شروع جنگ است. این شرایط موجب بالا رفتن هزینه‌های جنگ برای طرفین شده است. البته این احتمال وجود خواهد داشت که قدرت‌های منطقه‌ای برای دست یافتن به اهداف خود یا ضربه زدن به طرف مقابل از تاکتیک‌های دیگری مانند جنگ نیابتی یا رویارویی‌های محدود استفاده کنند. در نتیجه حضور چندوجهی ایالات متحده آمریکا در منطقه، کنش عربستان سعودی به سوی نظم مطلوب خویش، چرخش عربستان سعودی به سمت رژیم صهیونیستی در جهت ائتلاف ضدایرانی، بازتولید توریسم، تبدیل شکل جنگ‌ها به جنگ منطقه‌ای، بحران‌سازی بازیگران ضد مقاومت در مناطق تحت نفوذ ایران، خرید بی‌رویه تسلیحات توسط رقیبان ایران در منطقه و جنگ‌های نیابتی و کم شدت بر ضد ایران از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ایران در نظم غرب خواهد بود.